



حزب کمونیست کارگری - کمیتسیت

۲۰ فروردین ۱۳۸۹  
۲۹ آوریل ۲۰۱۰

خالد حاج محمدی

### فاشیسم در قالب مبارزه با بیکاری

بیکاری و اخراج کارگران در ابعاد وسیع و به بهانه های مختلف ادامه دارد. تاکنون و به روال همیشه دولت و مقامات رسمی و مبلغین و سخنگویان آنان از رئیس دولت تا نماینده مجلس و شورای عالی کارشان از تلاش دولت برای ایجاد "اشتغال" و مبارزه با بیکاری سخن سرایی کرده اند. آنها تلاش میکنند نظام سرمایه داری را به عنوان عامل اصلی و منشا بیکاری و محرومیت کارگران، با شیدای و تبلیغات مسموم و توجیهات عامه پسند، از زیر نقد و اعتراض طبقه کارگر خارج کنند. تلاش میکنند با معرفی بخشی از طبقه کارگر بعنوان عامل بیکاری، با دامن زدن به تفرقه و انشقاق در صفوف قربانیان بیکارسازیها، مبارزه متحد این طبقه را علیه بیکاری، علیه کلیت این سیستم و کارمزدی به بیراه بکشند و آنرا تضعیف کنند. تلاش میکنند جمهوری اسلامی و نظام بردگی و ضدکارگری را از زیر بار مسئولیت و به عنوان عامل بیکاری و فقر و محرومیت طبقه کارگر بری کنند. آنها با این کار وحدت و یکپارچگی صفوف کارگران را نشانه گرفته و علیه همسنوشتی و اتحاد طبقاتی کارگران به نام مبارزه با بیکاری به میدان می آیند.

مظفری رئیس

صفحه ۳

رحمان حسین زاده

### زندگی زیر خط فقر را تحمل نمی کنیم!

همزمانی سکوت سرمایه داران و دولت متبوعه در مورد رقم "زیر خط فقر" با اعلام "پایه دستمزد ۳۰۳ هزار تومانی" نتوانسته این واقعیت را که به اصطلاح دستمزد اعلام شده طبق آمارهای کتابی خود آنها هم "چهار بار زیر خط فقر" است، پرده پوشی کند. این واقعیت زشت، تعرضی گستاخانه به زندگی آحاد طبقه کارگر و خانواده های کارگری است.

محمد فتاحی

### وجدان ما یا سیاست شما؟

فعالینی از چپ که به قدرت اینتلولوژی میخوانند در جنبش سیزشان نفسی بدمند ریش ما را گرفته اند که گویا از شکست جنبش شان اظهار خوشحالی کرده ایم. میگویند اگر مردم را همراهی نکردید لاقول در شکست شان شادی نکنید. این خواست موبدانه در مقابل وجدان ما البته با فحاشی های اولیه بخش سوپر انقلابی این چپ بسیار متفاوت است. نومی ها در مقطعی که توده های میلیونی به رهبری رفسنجانی در نماز جمعه انقلاب اینها را تقویت میکرد با دم گردو می شکستند و ما را با فرهنگ شلیسته خود مورد خطاب قرار میدادند که چرا مردم را همراهی نمی کنیم، چرا علیه انقلاب اینها ایستاده و به احمدی نژاد و خامنه ای پیوسته ایم ...

این روزها که کشتی های انقلاب و جنبش سرنوینی و تحریکات توده ای آن جنبش به گل نشسته است، همین انقلابیون دو آتشه آن جنبش به روی ماه شان نمی آورند که محصول این همه سینه زنی سوسیالیستی در عاشورای انقلابی و دولا شدن های

ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی

### دست دستگاه قضایی ایران از خارج کشور کوتاه

طبق خبر منتشره خبرگزاری فارس در روز ۱۴ فروردین، مرتضی بختیاری، وزیر دادگستری اعلام کرد که "داسرای ایرانیان مقیم خارج از کشور تشکیل می شود" و "رئیس دادگستری استان تهران و رئیس دادگاه انقلاب در این زمینه آمادگی خود را اعلام کردند". تلاش جمهوری اسلامی برای دست

### کارگران جهان متحد شوید!

تحمیل گرانی و فلاکت و حیات زیر خط فقر فوری ترین تلیج آن است. در تحمیل و توجیه این وضعیت "متفکرین و اینتلولوگهای" بورژوازی استدلالات مسخره و پوچی را ردیف میکنند. اول مه فرصتی است این توجیهات ضد انسانی و ضد کارگری توسط سخنرانان و آژیتاتورهای کارگری نقد و افشا شود. سرمایه داران در ایران به ما میگویند "مگر بحران جهانی فقر و گرسنگی را نمی بینید؟ مگر گسترش فقر و بیکاری را حتی در قلب اروپا نمی بینید؟ مگر مرگ و میر روزانه و ابعاد گرسنگی را در مصر وهائیتی و چاد و کشورهای آفریقایی نمی بینید؟ مگر نمی بینید نسبت بیکاری کماکان گلوی طبقه ما

صفحه ۲

آن بود. آن جنبش هم میلیون ها و شاید به مراتب بیشتر از تهران شرکت کننده داشت. در آن جنبش هم مثل بقیه تحریکات بورژوازی شرکت وسیع توده های مردم چشم ما را نیست چون قطب نمای حرکت ما منافع طبقاتی طبقه ای است که با شرکتش در چنین تحریکاتی آب به آسیاب دشمنان خود میریزد. اگر چپ در تمام آن تحریکات قومی به بهانه حقوق ملی یا حضور توده ها در خیابان با سر وارد این لجن زار سیاسی شد، برعکس کار ما همه اش این بود که به کارگران و مردم زحمتکش بگویم دنبال ارتجاع نروند.

جامعه ایران به دلایل زیاد آستن جنبش های سیاسی متنوعی است که هرکدام اعتراض بخش هایی از جامعه را منعکس میکنند و مهر طبقه معینی بر خود دارند. فضای سیاسی ایران به نوعی به میدان مسابقه و رقابت این جنبش

صفحه ۴

### شروع به کار رادیو

### اینترنتی پرتو!

صفحه ۴

اسلامی ادامه سیاست سرکوب، بگیر و ببند و زندان و اعدام و شکنجه و احکام حبس های طولانی در ایران است. در شرایطی که جمهوری اسلامی در ایران بر دریایی از نفرت و نافرمانی مردم نشسته است، در شرایطی که اعتراضات مردم و بحران داخلی حکومتی، کارکرد دستگاه

صفحه ۲

محمد فتاحی

### اول ماه مه روز حمایت از جنبش طبقه متوسط نیست!

صفحه ۳

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## زندگی زیر خط فقر را تحمل ...

و مردم تهیست را فشرده بود. و جالب اینکه دولت احمدی نژاد فهم و شعور جامعه و طبقه کارگر و مردم را آن درجه دست کم گرفته است که "بیدگران" را مقصر این وضعیت معرفی میکند؟!!

در دایره خارج از حاکمیت هم استدالات جریانات بورژوازی نیز مشتمل کننده و از همان قماش است. ناسیونالیسم ایرانی و طرفداران نظم سلطنتی به ما یادآور میشوند که اگر حکومت دست آنها باقی میماند، وضعیت اینچنین نمی بود. میخواهند فقر و گرسنگی و بیکاری و بی مسکنی و شورشهای خارج از محدوده شهرها را در دوران سلطنت فراموش کنیم. میخواهند ابعاد تبعیض و نابرابری را حتی آنزمان که با "رونق اقتصادی" روبرو بودند، را از یاد ببریم. میخواهند عطش کارگران و مردم ایران را برای رفاه و سعادت و زندگی شایسته انسان که منجر به انقلاب توده ای ۱۳۵۷ شد را از یاد ببریم. و جالب اینکه "چپ بورژوا" هم استدلال تئوریک تحویل ما میدهند که مگر نخوانده ایم، فقر و بیکاری نتیجه بحرانهای لواری سرمایه داری است؟! این نوره میگذرد و باید تحمل کرد!

صف ما کارگران و بیکاران و گرسنگان اعلام میکند، این توجیبات و استدلالهای رنگارنگ دروغین را نمی پذیرد. هیچ استدلال بورژواها نمیتواند این واقعیت را پرده پوشی کند که ثروت و امکانات و تولید و پول این جامعه که حاصل کار ما کارگران و همه مزدبگیران است، آنقدر زیاد است که میتواند رفاه و آسایش و زندگی با استاندار بالای همه شهروندان جامعه را همین امروز تامین کند. شاهد آن در کنار فقر و گرسنگی دامن گیر طبقه ما، گسترش ثروت و سرمایه نجومی یک اقلیت مقخور و انگل را می بینیم. زندگی لوکس و زیست انگلی طبقه سرمایه دار و حامیان آنها را می بینیم که تابع هیچ تغییر و تحولات و بحران و غیر بحران و تحریم و غیر تحریم نیست. چون می بینیم حاصل رنج و کار ما هزینه نهادهای مختلف هیئت حاکمه، نهاد رهبر و دولت و مجلس و نیروهای نظامی و انتظامی، خرج دم و دستگاه چهل و خرافه مذهبی، شبکه مساجد و حوزة ها و امامزاده ها و ایاب و ذهاب آیات عظام و طفیلی های دیگر این نظام میشود. چون میدانیم سپاه پاسداران خود به عنوان بزرگتری کمیته سرمایه در ایران امروز بر ثروت جامعه چنگ انداخته است. این توجیبات را رد میکنیم چون میدانیم

پول و ثروت هست اما نه برای کارگران و شهروندان جامعه بلکه برای مثنی سرمایه دار مقخور و انگل و دولت و دم و دستگاه حافظ این نظام.

## اگر دست کارگران بود!

اگر دست ما کارگران باشد با همین پول و ثروتی که هزینه دم و دستگاه عریض و طویل حکومتی و مذهبی و نظامی و انتظامی میشود، فقر و گرسنگی و بیکاری موجود را فرما پیمان میدهم و رفاه و آسایش را برای کارگران و شهروندان جامعه تامین میکنیم.

در اول مه اعلام میکنیم که علت این وضعیت، نظم و مناسباتی وارونه است که زندگی و حیات میلیونها کارگر و خانواده کارگری را در مقابل مزد روزمره به گروگان گرفته است. تازه همین منبع تداوم زیست و حیات ما را در ایران چهار بار کمتر از حداقل تامین روزمره معیشت ما تعیین کرده اند. علت این وضعیت نظامی است که تحمل گرسنگی و فقر و بیکاری بر طبقه کارگر لازمه نوام آن است. نظم ظالمانه ای که فلسفه وجودی آن را کسب سود و فقط سود و تلبانی کردن سرمایه در دست یک مشت انگل مقخور سرمایه دار قرار داده است، به کمترین دستمزد و کمترین مزایا تن دهد. لازمه اش لشکر بیکاری است تا همچون شمشیر داموکلس مداوما بالای سرکارگر شاغل باشد. لازمه اش گرسنگی است که کارگران به چیزی جز سیر کردن شکم خود و خانواده فکر نکنند. لازمه اش آن شرایط برده واری است که کمترین فرصت برای کسب آگاهی و کمترین فرصت برای ایجاد اتحاد و تشکل وجود داشته باشد، تا کمترین مانع و مزاحمت در راه کسب

سود و سرمایه وجود داشته باشد. وجود جوامع فقیرزده و بیکار زده و گرسنه در آغاز قرن بیست و یکم و عصر انفورماتیک و اوج ابتکار انسان، زاده منفعت زمینی نظام وارونه سرمایه در همین عصر مدرن است. بر خلاف اندر زهای اخلاقی خیلی ها فقر و گرسنگی و بیکاری از اخلاق بد سرمایه داران و از ندانم کاری این و آن و یا از بحران این نوره و آن نوره و از تحریم و از اسلامی بودن و یا نبودن حاکمیت کنونی درنمیاید، بلکه جزو تارو بود نظم وارونه و ضد انسانی سرمایه و از ضروریات حیات انگل وار آن است. دولت جمهوری اسلامی و همه دولتهای حاکم در جهان امروز خود حافظ این مناسبات و مجری نظم گنبد سرمایه داران هستند. سرمایه داران قدرت خود را در قالب دولت سازمان داده اند تا همین مناسبات را

حفظ کنند. علیه این مناسبات، علیه کار مزدی و این نظم ضد انسانی و این دولتها باید به میدان آمد و شورید. برای اینکار چاره ای جز آگاهی و اتحاد و تشکل کارگران و مردم تحت ستم وجود ندارد. برای پایان دادن به نظم موجود، برای پایان دادن به فقر و بیکاری و گرسنگی طبقه کارگر به عنوان نیروی نجات دهنده جامعه باید به میدان بیاید. هیچ نیروی نجات دهنده غیبی برای نجات کارگران و جامعه وجود ندارد. آگاهی و اتحاد و تشکل کارگران در هر کارخانه و کارگاه و موسسه کارگری، اتحاد و همبستگی و همسرنوشتی کارگران شاغل و بیکار، اتحاد و همبستگی با اقشار تحت استثمار و ستم دیده جامعه اجزای یک حرکت آگاهانه کارگری است که در اول مه باید مبنای آن را محکم کنیم.

تجربه تاریخی نشان میدهد که طبقه سرمایه دار برای حفظ منافع خود در مقابل طبقه ما به انواع شیوه خود را سازمان داده است. طبقه کارگر نیز با آگاهی بر منافع امروز و فردای خود باید خود را سازمان دهد. طبقه ما حول حزب کمونیستی پیشرو خود باید گرد آید. باید سازمانهای توده ای خود را بسازد. باید به فکرسرنگونی سرمایه و دولتهایش و تصرف قدرت و ایجاد حکومت کارگری باشد. ایجاد جامعه ای به دور از کار مزدی و استثمار انسان به دست انسان و به دور از فقر و گرسنگی و بیکاری و زشتی های امروز جامعه بشری ممکن است. طبقه ما طبقه کارگر رسالت تحقق این امر انسانی را به عهده دارد. در روز اول مه براتحاد و همبستگی طبقاتی مان در راستای این رسالت تاریخی پای میفشاریم.

و بالاخره به عنوان حرکت عاجل در اول مه امسال اعلام میکنیم که اتحاد و تشکل و مبارزه ما و خواسته های روشن ما میتواند راهگشای پایان دادن به فقر و گرانی و گرسنگی موجود باشد. افزایش دستمزدها در سطح تامین کامل هزینه زندگی یک خانواده کارگری، بیمه بیکاری مکفی برای همه بیکاران، تامین مسکن مناسب برای شهروندان جامعه، تامین رایگان طب و آموزش و وسایل حمل و نقل و بسیاری اقدامات ممکن دیگر گشایش جدی در شرایط زندگی امروز مزدبگیران جامعه و همه شهروندان است. با اتحاد و قدرت مبارزاتی این مطالبات فوری را میتوان بر سرمایه داران و دولت سرمایه اسلامی تحمیل کرد. باید اعلام کرد "زندگی زیر خط فقر را تحمل نمی کنیم".

## دست دستگاه قضایی ایران ...

قضایی و سرکوبش در داخل را به گل نشاندند است، ادعای اخیر زیردادگستری در مورد راه اندازی دستگاه قضایی ایران در خارج کشور، تنها و تنها به پشت گرمی استفاده از نام اینترپل و به امید معاملات و بده بستان های بین المللی با دولتهای خارجی، صورت میگیرد.

این توطئه را باید خنثی کرد. این توطئه تروریستی، که از یک سازمان و حزب سیاسی آغاز شد و همه اپوزیسیون را هدف قرار داده است، را باید خنثی کرد. باید احکام مجازات را به سمت بانین و جانبان حاکم بر ایران، کسانی که در پرونده وزیر دادگستری و ارشاد و فرماندهان سپاه و رئیس جمهور و امام و وکلای مجلس و همه مسئولین آن، صدها هزار پرونده قتل و جنایت وجود دارد، برگرداند. وزیر دادگستری جمهوری اسلامی، مرتضی بختیاری، خود به جرم جنایت علیه مردم ایران، میلیونها شاکی خصوصی و عمومی دارد. وزیر دادگستری ایران خود باید توسط دادگاههای مردمی محاکمه شود و پاسخ گوی جنایتش علیه مردم ایران باشد.

باید دست درازی جمهوری اسلامی به حریم فعالیت سیاسی اپوزیسیون در خارج کشور را کوتاه کرد. عقب راندن جمهوری اسلامی در خارج کشور، قدمی بزرگ در تقویت اعتراضات و مبارزات مردم، زنان، کارگران و همه مردم آزادیخواه و برابری طلب در ایران است.

کمپین "ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی" همه اپوزیسیون جمهوری اسلامی و همه کسانی را که در آرزوی خلاصی از سرکوب، فقر و اختناق و تاجر و بی حقوقی در ایران هستند، فرامیخواند که این توطئه پلیسی - تروریستی جمهوری اسلامی را محکوم کنند، و برای برگرداندن این حمله به دامان بانین سی سال جنایت در ایران، با کمپین ایست همکاری کنند و به آن بپیوندند.

ایست به توطئه تروریستی جمهوری اسلامی

۵ آوریل ۲۰۱۰ - ۱۶ فروردین ۱۳۸۹

[www.stopterrorism.org](http://www.stopterrorism.org)

Stop the Conspiracy of the Islamic Republic of Iran and INTERPOL

Stop.terror.conspiracy@googl email.com

اروپا، تلفن: 02032873558 (44) آمریکای شمالی، تلفن:

0014168167201

# زنده باد جمهوری سوسیالیستی

محمد فتاحی

## اول ماه مه روز حمایت از جنبش طبقه متوسط نیست!

سیلیت اخبار روز که یک منبای سبز این دوره و سیاست سوسیال دمکرات های ایران را نمایندگی میکند در کنار درج اعلامیه سازمان اکثریت با مضمون مشابه خطاب به کارگران ایران نوشته است که: "از هم اکنون فعالان کارگری و بنه ی طبقه ی کارگری کشور در پیوند با جنبش اعتراضی سراسری مردم ایران، برای این روز می توانند حساب جداگانه بی را باز کرده و ستون استوار جنبش کارگری کشور را در کنار اعتراضات مندی طبقه متوسط به عنوان متحدین طبیعی خویش در جامعه مدرن و تحول یافته ی کنونی، بنیان بگذارند...". همین سیلیت در مقطع شروع "جنبش جاری" از زبان یک کمینه کارگری

غیبی کارگران ایران را به شرکت در آن جنبش خدایبامرز دعوت کرد. در کنار آن کمیته تمام احزاب و سازمان هایی که عنوان چپ و سوسیالیست و کمونیست پدک میکنند تقلا ی وسیع اما بی قیمت و بی ثمری به خرج دادند تا جنبش حاصل از اختلاف دو جناح طبقه حاکمه را به قیمت دیگری به طبقه کارگر ایران بفرشند. فعالین کارگری را تشویق کردند تا مطالبات برحق خود را در زمین جنبش دشمنان طبقاتی شان بکارند و با پیوستن به صف ارتجاع چوب حراج به هست و نیست سیاسی خود زنند. دعوت شان کردند بروند در نماز جمعه رفسنجانی شرکت کرده و پشت سر او برای مطالبات خود دعای سوسیالیستی بخوانند. طبق اعلامیه های کمیته ها و محافل بی سر و تهی که علوین کارگری بر خود دارند ظاهرا تعدادی هم رفتند تا عاشورا و نماز جمعه را کارگری کنند. با اینهمه طبقه کارگر ایران علیرغم هر مشکل و معضلی که دارد این را تشخیص داد که همراه همه با هم نرود و فراخوان های

نمایندگان خودگمارده اش را بی جواب بگذارد. حالا که نماز جمعه و عاشورا و روز قدس و مناسبت های واقعی "جنبش جاری" فعلا در دسترس نیستند ظاهرا نوبت اول ماه مه روز جهانی کارگر رسیده تا به داد طبقه متوسط برسد.

"جنبش جاری" خودآگاه ترین جنبش بورژوازی غربیگرای ایران است که تاریخ یک صده این جامعه به خود دیده است. پرچم این جنبش خصوصی کردن اقتصاد ایران به سبک ریگان و تاچر است. اینها حتی به احمدی نژاد فاشیست انتقاد دارند که چرا اقتصاد صدقه ای اش را دور نمی ریزد. و همه میدانند منظور اینها سوسپدهای اندکی است که جناح رقیب در قدرت شان از ترس طغیان اجتماعی تا این لحظه ناتوان از حذف آن بوده است. در تمام دوران "جنبش جاری" کارگر جایی در آن نداشت. سرکوب و خفقان و بیکاری بیشتر و خفه ماندن صدای اعتراض کارگر در حاشیه درگیری های دو جناح طبقه حاکمه تنها دستاوردی است

که در این دوره نسیب کارگر شد. طبقه کارگر اگر توان برپایی حداقلی از مراسم های اول ماه مه خود را هم نداشته باشد ارزشمندترین کار میتواند این باشد که طی اعلامیه هایی و یا در مجامع خود به همه اعلام کند که جنبش و منافع این طبقه از جنبش طبقه متوسط متفوت است. چنین درکی به کارگر این درس را میدهد که هیچگاه نیروی خود را پشت جنبش طبقات دارا نبرده و راه مستقل طبقاتی خود را در پیش بگیرد. به گفته پدالله حسروشاهی رهبر سرسخت کارگری در دهه های قبل، انقلاب ۵۷ برای طبقه کارگر ایران فاجعه ای بود که در آن نیروی خود را پشت سر بخشی از طبقه سرمایه دار در مقابل بخش دیگرش برد و از این طریق بردگی بیشتری را نسیب خود کرد. این فاجعه نباید و نمی تواند تکرار شود.

### زنده باد اول مه

### دست جنبش طبقه متوسط از روز جهانی کارگر کوتاه باد

کارگر در ایران دارند و در پست ترین و سخت ترین رشته های تولیدی مشغول به کار هستند. سرمایه برای ایجاد تفرقه در میان صف طبقه کارگر همیشه از تعرض به ضعیفترین بخش این طبقه شروع میکند. طبقه کارگر باید این تعرض را بعنوان تعرض به خود تلقی کند و علیه آن یکپارچه بایستد.

فعلاً به نام مبارزه با بیکاری سراغ کارگر "خارجی" خواهند رفت و با اخراج آنها و گرفتن حق حیات از آنها بخشی از نیروی طبقه کارگر را به فلاکت میکشاند و فردا سراغ بخشهای دیگری راه خواهند افتاد. تقسیم کارگر به ایرانی و خارجی، زن و مرد، پیر و جوان، بومی و غیر بومی، شاغل و بیکار بخشی از حربه همیشگی سرمایه داران علیه طبقه کارگر با هدف ایجاد نفاق و چند دستگی بوده است. طبقه کارگر اروپا شاهد همین نوع از "مبارزه علیه بیکاری" از طرف هیتلر و نول بورژوائی در اروپا بوده و هست. سالها است در اروپا کارگران یهودی، کارگران مهاجر مسبب بیکاری معرفی میشوند. بورژوازی ایران نیز سالها است با اتکا به این تجربه فاشیستی بورژوازی جهانی، تعرض به کارگران مهاجر را سازمان میدهد.

زنان که به جای خنّه داری بخش کوچکی از آنان در بازار کار هستند در جریان است.

کارگران ایران شاهند که چگونه بخش زیادی از کارگران نوشابه سازی ساسان را در سال ۸۸ به بهانه افزایش دستمزدها اخراج کردند. گویا دلیل بیکاری آنها "افزایش" دستمزدها در سال ۸۸ بود نه تلاش برای سودآوری بیشتر سرمایه به قیمت بیکاری و فقر و محرومیت بیشتر طبقه کارگر. کارگران صنایع مخابراتی راه نور، کارگران هفت تپه و دهها مرکز دیگر را به نام نداشتن نقدینگی اخراج کردند. هر روز شاهد اخراج کارگران قرار دادی و پیوستن آنها به صفوف میلیونها کارگر بیکار هستیم.

تا جایی که به بیکاری برمیکرد بخش از دم و بازدم نظام سرمایه داری است که باید جایی دیگر به آن پرداخت. اما "مبارزه" با بیکاری به سبک جمهوری اسلامی و معرفی کارگران "خارجی" به عنوان عامل بیکاری، شیادی بورژوازی و تلاش برای نفاق و دشمنی در صفوف کارگران به نام "مبارزه" با بیکاری است که به قدمت جامعه سرمایه داری در جریان بوده است.

اخراج کارگران "خارجی" به نام مبارزه علیه بیکاری حربه ای ضد کارگری علیه نه تنها کارگران خارجی که علیه همان بخش از طبقه کارگر است که به ظاهر امروز کار رسمی دارد و از درجه ای امنیت شغلی

### فاشیسم در قالب مبارزه ...

سازمان کار استان تهران در مصاحبه با ایلنا در مورد افزایش درصد بیکاری در این استان میگوید: "۳۰۰ هزار نفر از اتباع بیگانه در استان تهران شاغل هستند که سازمان کار در پی جایگزینی شهروندان ایرانی با این افراد خواهد بود".

"اتباع بیگانه" که مظفری از آن اسم میبرد و قول میدهد با اخراج ۳۰۰ هزار نفر از آنان مسئله بیکاری را در استان تهران حل کند، خود بخشی از پروژه اخراج و بیکارسازی کارگران و در این مورد به اسم "اتباع بیگانه" رئیس سازمان کار استان تهران با این پیام دست همه کارفرمایان را در اخراج کارگرانی که در کتگوری "اتباع بیگانه" میگنجد را باز گذاشته است. "اتباع بیگانه" آقای مظفری که عمدتاً کارگران افغانی هستند، بخشی از طبقه کارگرانند که چند دهه است در ایران کار میکنند و با کار خود سود و سرمایه تولید کرده اند. اینها بخشی از طبقه کارگر میباشند که تا زمانی که به آنها محتاج بودند با دستمزد پایین و کار سنگین به عنوان برادران افغانی وارد بازار کار شدند و زمانی که نیاز سرمایه به نیروی کار آنها باقی نیست، به عنوان "اتباع بیگانه" و "عامل" بیکاری اخراج خواهند شد.

"اتباع بیگانه" آن بخشی از طبقه کارگر ایران هستند که با کمترین دستمزد، محروم از حداقل حقوقی که طبقه

# مرگ بر جمهوری اسلامی!

## وجدان ما یا سیاست ...

شکست کشاده است که از تعداد قربانیانی که بیهوده فدای یک داشت به رحمت ایزدی پیوسته است اما مشغول جنگ هر روزه با خیزش ارتجاعی میشوند می‌کاهد. از آنجا که اختلافات دو جناح حاکم فشار سیاسی بر کارگر و زحمتکشی که برای تقسیم اقتصاد ایران هنوز حل کارگر یک مرکز کارگری میتواند در مرکز کارگری می‌تواند به همین نیرو چند میلیونی در مرکز کارگر است. همین نیرو خطاب به کارگر است. برای شهر را شکست داده ام، شما دیگر کارگر را شکست چکاره اید. ضرر دیگری که شکست کارگر است. این انقلاب یا جنبش برای کارگر و کل کارگر است. جبهه آزادیخواهی دارد در ارعابی است. جنبش سبز هم عین همین کار را در حق فضای آزادیخواهی و برابری طلبی سبزش بر جامعه حاکم میکند و خون کرد و مردم آزادیخواه و بیزار از حاکمیت را به سوخت جنگ خود تبدیل کرد. به همین دلیل به میدان آمدن این جنبش آنهم با همراهی تمام اپوزیسیون سبز را اضافه کنید که میفرمایند راست و چپ ناسیونالیست بدترین میلتانسی و به اصطلاح خشونت‌گرا است. اگر جناح هلی از سبز نشان دادند کار را پیشروی این جنبش ارتجاعی ضرری بزرگ برای طبقه کارگر و امر انقلاب کارگریست، متأسفانه نود سوختن تانک در مقابل دشمنان طبقاتی نباید میلتاننت های ارتش این نیروی جنگی هم قبل از همه به چشم طبقه کارگری می‌رود که برای زدن کل اردوی سرمایه ناچار به جنگ نهاییست.

با اینهمه نیرویی انقلاب سبز را به جنبش رهبری بخش او دارد؛ قبل از همه حرکت با اهدافی که در کوتاه مدت

با همه اینها خاموشی سبز به لحاظ سیاسی منافی برای طبقه کارگر و حرکت سیاسی به پایان رسیده است. این چنین شد؟

در کنار اینها به همان نسیتی که سایه بزرگترین سرمایه دار ایران و سبزش بر سر جامعه کم شده است، منفورترین شخصیت سیاسی، به تحرکات جنبش های دیگر منجمله رفسنجانی و نماز جمعه اش خوش تحرک کارگری و سوسیالیستی میتواند کرد؟ چرا سر دختران روسری کرد و در چشم هم قابل رویت تر و در بعد به نماز جمعه شان برد؟ چرا ارتجاع را سیاسی ملموس تر باشد. نتیجتاً به به قیمت انقلاب و جنبش سرنگونی و منتقدین چپی که میخواهند ما را عذاب حرکت آزادیخواه و برابری طب به وجدان دهند باید عرض کنم که از این کارگر و زحمتکش فروخت؟ آیا مناسب زاویه من نه تنها ناراحت نیستم بلکه تر نیست به جای سرزنش اخلاقی ما خوشحالم که بشنوم سبزش به عنوان یک فکری به سیاست خود کنند که چرا حرکت سیاسی به پایان رسیده است. این چنین شد؟

با اینهمه نیرویی انقلاب سبز را به جنبش رهبری بخش او دارد؛ قبل از همه حرکت با اهدافی که در کوتاه مدت

## شروع به کار رادیو اینترنتی پرتو

رادیو پرتو پخش برنامه های خود را آغاز میکند. رادیو پرتو ابزار تبلیغی تازه تری است که حزب حکمتیست در دست میگیرد تا با سانسور و خفقان جمهوری اسلامی به مقابله برخیزد. پیش از این، تلویزیون پرتو از جمله رسانه های تبلیغی حزب حکمتیست بود که با حمله دستگاه سرکوب رژیم مواجه گردید. حمله به این رسانه ها و سد کردن دامنه فعالیتهایشان در امتداد سرکوب و دستگیریها و فضای ارعابی است که قصد دارد طبقه کارگر را از دستیابی به آگاهی، تشکل و ابراز وجود مستقل خود باز بدارد. رادیو پرتو با پخش برنامه های هفتگی بر روی اینترنت، هدف اشاعه آگاهی و سیاست کمونیستی در میان کارگران را تعقیب میکند.

برنامه های رادیو پرتو همان فلسفه وجودی حزب حکمتیست یعنی تفسیر و تغییر دنیا از دیدگاه طبقه کارگر بطور کلی و جنبش کمونیستی این طبقه بطور اخص را تعقیب میکند. طبقه کارگر نه فقط بر اثر سرکوب وحشیانه رژیم، نه فقط بر اثر استثمار و آسیبهای روحی و جسمی و اجتماعی سرمایه داران بلکه در عین حال بر اثر ایده ها و افکار و سیاستهای طبقات دیگر قادر به قدم های موثر و تعیین کننده در راه تغییر دنیای وارونه موجود نیست. رادیو پرتو بخشی از تلاش کمونیستی برای آگاهی و تشکل طبقاتی کارگران میباشد. این رادیو تلاش خواهد کرد صدای کارگران آگاه برای روی هم چیدن خشتهای يك انقلاب کارگری باشد.

برنامه های رادیو پرتو هر هفته جمعه ها بر روی سایت اینترنتی خود در دسترس علاقمندان قرار خواهد داشت. مشخصات دقیقتر پخش بدین ترتیب است:

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هر جمعه از ساعت

۲۱:۳۰ تا ۲۳:۳۰ به وقت تهران

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

روی اینترنت با آدرس

[www.radiopartow.com](http://www.radiopartow.com)

زنده باد سوسیالیسم